

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A study of theoretical Streams Related to Urban Spaces
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

جریان‌شناسی رویکردهای نظری مرتبط با فضاهای شهری

امین رضایپور^۱، احسان رنجبر^{۲*}

۱. پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استادیار طراحی شهری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. پژوهشگر مهمان، دپارتمان معماری، دانشگاه آلتو، فنلاند.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

چکیده

بیان مسئله: فراوانی و تعدد نظریه‌ها و رویکردها در خصوص موضوع «فضاهای شهری» و نیز تنوع و تکثر در تعاریف، ویژگی‌ها، دیدگاه‌ها و روش‌های برخورد با این موضوع، باعث شده درک‌های متفاوت و گاه متناقضی برای پژوهشگران این حوزه به وجود آید؛ همچنین از آنجا که حیطة فکری نظریه‌های مرتبط با فضاهای شهری صرفاً محدود به یک قلمرو تخصصی خاص نمی‌شود و در چارچوب‌های فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی و اقتصادی به آن پرداخته شده، مطالعه و پژوهش در این حوزه را دچار پیچیدگی‌های آشکار و پنهانی کرده است. یکی از متداول‌ترین راه‌های ساده‌سازی و برطرف‌نمودن این‌گونه مسائل، گونه‌بندی رویکردهای نظری است. این مقاله، به دنبال گونه‌شناسی و به عبارت روشن‌تر، ارائه نوعی از جریان‌شناسی نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با موضوع فضاهای شهری خواهد بود.

هدف پژوهش: جریان‌شناسی پیش‌رو، فراوانی رویکردهای موجود در حوزه «فضاهای شهری» را طبقه‌بندی و به فهم و تحلیل آنچه نظریه‌پردازان مختلف از فضاهای شهری مطرح کرده‌اند، کمک می‌کند؛ توسط این جریان‌شناسی، می‌توان مشخص کرد هر نظریه و نظریه‌پرداز در هر جریان فکری، چه نوع رویکردی، چه نوع شیوه‌ای و چه تعریفی را در خصوص «فضا و فضای شهری» اظهار کرده است. علاوه بر آن با تعریف و چارچوب‌بندی جریان‌های فکری، می‌توان تعلق هر نظریه‌پرداز «فضاهای شهری» را به جریان‌های فکری ارائه‌شده، پیدا و در این بین، دیدگاه‌های او را بهتر درک کرد. همچنین هر محقق می‌تواند در خصوص پژوهش‌های آتی با موضوع فضاهای شهری، از یک یا چند جریان برای تحقیق و مطالعه خود بهره‌گیرد و در چارچوب آن جریان فکری، فضای شهری موردنظر خود را بهتر تبیین و مطالعه کند.

روش پژوهش: به منظور دستیابی به جریان‌شناسی مذکور، از روش «گونه‌شناسی دو بعدی» استفاده شده است. این روش شامل دو مرحله است. مرحله اول مربوط به «انتخاب راهبرد گونه‌شناسی» است؛ «راهبرد تجربی» به عنوان یکی از راهبردهای مرسوم در این مرحله با توجه به هدف مقاله، انتخاب می‌شود. مرحله دوم «ساخت گونه‌شناسی» است که با تشریح «مفاهیم کران‌ساز»، «کران‌ها» و «گونه‌های نماینده» و بهره‌گیری از آن‌ها، گونه‌شناسی مورد نظر تکمیل می‌شود. در قسمت تحلیل مقاله چگونگی استفاده از این روش و نحوه ایجاد گونه‌ها بیان می‌شود.

نتیجه‌گیری: جریان‌شناسی رویکردهای نظری مرتبط با فضاهای شهری، به سه کلان‌جریان و هشت جریان فکری تقسیم می‌شود: (۱) کلان‌جریان تجربی شامل: (الف) جریان تجربی - فرهنگی، (ب) جریان تجربی - رفتاری، (ج) جریان تجربی - انتقادی و (د) جریان تجربی - ادراکی؛ (۲) کلان‌جریان نظری شامل: (الف) جریان نظری - روان‌شناختی، (ب) جریان نظری - انتقادی، (ج) جریان نظری - اقتصاد سیاسی و (د) جریان نظری - جامعه‌شناختی؛ و (۳) کلان‌جریان تجربی - نظری.

واژگان کلیدی: فضاهای شهری، فضای عمومی، جریان‌شناسی، گونه‌شناسی، نظریه فضاهای شهری.

* نویسنده مسئول: e.ranjbar1983@gmail.com، ۰۹۱۲۸۱۳۵۹۵۷

مقدمه و بیان مسئله

پیچیدگی، شناسایی اشتراکات و تمایزات، مقایسه گونه‌های متفاوت، و ساده‌سازی آن‌ها را در اختیار پژوهشگران می‌گذارد (بنگرید به Doty & Glick, 1994; Latifi, 2018)؛ بنابراین تا زمانی که نحوه تفکرات و اندیشه‌ها در خصوص فضاهای شهری، دسته‌بندی نشوند و نیز چگونگی تعریف و تدقیق فضا در این رویکردها مشخص و معلوم نشود، نمی‌توان تحلیل مطلوبی از دیدگاه‌ها، نظریه‌ها، فضاهای شکل‌یافته در بافت شهری و دسته‌بندی آن‌ها ارائه نمود.

آنچه که این مقاله به دنبال آن است گونه‌شناسی و به عبارت بهتر، جریان‌شناسی نظریه‌ها و رویکردهای فراوانی است که در خصوص موضوع فضاهای شهری وجود دارد. استفاده از عبارت «جریان» و «جریان‌شناسی» برای گونه‌شناسی ارائه‌شده در این مقاله، بدین دلیل است که هر یک از این گونه‌ها نه تنها خود مسیری را برای مطالعات فضاهای شهری گشوده‌اند، بلکه توانسته‌اند بر مفاهیم دیگری نیز اثر بگذارند و به نوعی جریان‌ساز باشند. لذا این چارچوب‌های فکری از یک مبدأ شروع شده‌اند که اکنون هم جریان دارند و دارای طرفدارانی هستند (لیکن ممکن است دارای قوت نظری بالا و یا پایینی در جوامع علمی باشند ولی همچنان وجود دارند). لذا واژه «جریان» می‌تواند بهتر بازگوکننده حرکت و سیر اندیشه‌های یک چارچوب و دیدگاه اندیشمندان متعلق به آن چارچوب باشد. در این راستا هر یک از گونه‌ها، تحت عنوان «جریان» معرفی می‌شوند؛ بنابراین منظور از «جریان‌شناسی» نوعی شناخت رویکردهای مرسوم و مسلط در موضوع «فضاهای شهری» و نیز تعریف و تدقیق مرز و چارچوب فکری برای نظریه‌ها و نظریه‌پردازان است.

جریان‌شناسی پیش رو، فراوانی رویکردهای موجود در حوزه «فضاهای شهری» را سامان می‌دهد و به فهم و تحلیل آنچه نظریه‌پردازان مختلف از فضاهای شهری مطرح کرده‌اند، کمک می‌کند؛ توسط این جریان‌شناسی، می‌توان مشخص کرد که هر نظریه و نظریه‌پرداز در هر جریان فکری، چه نوع رویکردی، چه نوع شیوه‌ای و حتی چه تعریفی را در خصوص مقوله فضا و فضای شهری انتخاب کرده است؛ علاوه بر آن با تعریف و چارچوب‌بندی جریان‌های فکری، می‌توان در هر برهه از زمان (گذشته، حال، آینده) تعلق هر نظریه‌پردازی را که در این زمینه تحقیق و ارائه نظریه کرده، نظم و ترتیب بخشید. همچنین هر محقق می‌تواند در خصوص پژوهش‌های آتی خود در مقوله فضاهای شهری، از یک یا چند جریان برای تحقیق و مطالعه خود بهره‌گیرد و در درون آن جریان فکری، فضاهای شهری موردنظر را تعریف و مطالعه کند؛ بنابراین هدف اصلی این جریان‌شناسی، نوعی چارچوب‌بندی، تلخیص و آشکار کردن رویکردها و ویژگی‌های مشترک نظریه‌های پراکنده و نیز ساده‌سازی در برخورد با پیچیدگی‌های موضوع فضاهای شهری است. در این جریان‌شناسی روشن می‌شود هر جریان فکری،

هنگامی که منابع مختلف در خصوص «فضاهای شهری»^۱ مخصوصاً در حیطه تخصص شهرسازی بررسی می‌شوند، عموماً پژوهش‌ها پیرامون موضوعاتی چون تعریف فضاهای شهری (بنگرید به Carmona, Heath, Tiesdell & Oc, 2003; Gehl, 2011; Madanipour, 2003; Newman, 1996; Relph, 1976; Trancik, 1986; Zucker, 1959) گونه‌بندی فضاهای شهری (بنگرید به Bjerkeset & Aspen, 2020; Carmona, de Magalhães, & Hammond, 2008; Franck & Huang, 2020; Leclercq & Pojani, 2020; Madanipour, 2003) چگونگی طراحی و چیدمان آن‌ها (بنگرید به Bentley, 1985; Carmona et al., 2003; Gehl & Svarre, 2013) تأکید و توجیه اهمیت آن‌ها در بافت شهری (بنگرید به Cullen, 1995; Venturi, Brown & Izenour, 1977; Whyte, 1980) عمومیت فضاها (بنگرید به Karimnia & Haas, 2020; Mehta, 2020; Palazzo, 2020; Rishbeth, 2020) و ... مطرح می‌شوند. می‌توان گفت کنارهم‌گذاری این موارد، موجب شکل‌گیری پایگاه وسیعی از نظریه‌های متعدد، گوناگون، متفاوت و گاه متضادی در ارتباط با مقوله «فضاهای شهری» شده است.

از طرف دیگر، فراوانی رویکردهای نظری مرتبط با فضاهای شهری، باعث ایجاد ادراک‌های متفاوت و دیدگاه‌های مبهم مخصوصاً نزد پژوهشگران این حوزه شده است (Carmona et al., 2008)؛ همچنین علاوه بر فراوانی رویکردها، قلمرو نظریه‌های فضاهای شهری صرفاً محدود به یک قلمرو تخصصی خاص (مانند طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری، معماری منظر و ...) نمی‌شود و بسیاری از رویکردهای فکری دیگر از جمله رویکردهای فلسفی (بنگرید به Einstein, 1953; Jammer, 1969; Kant, 1929; Lee, 1971; Pannenberg, 2005) جامعه‌شناسی (بنگرید به Durkheim, 1933; Giddens, 1984) انسان‌شناسی (بنگرید به Canter, 1981; Relph, 1976) و معماری (نوربرگ-شولتز، ۱۳۹۳ب)، با این موضوع سروکار دارند و هر یک دارای دیدگاه خاص خود هستند. لذا محقق موضوع فضاهای شهری با گستره‌های از نظریه‌ها روبه‌رو می‌شود که عموماً وی را دچار سردرگمی و آشفتگی می‌کند. یکی از متداول‌ترین راه‌های برطرف کردن این معضل، «گونه‌بندی نظریه‌های فضاهای شهری» است.

تفکر گونه‌شناسانه یکی از توانمندی‌های ذهن بشر، پس از مواجه با پدیده‌های متکثر است (Doty & Glick, 1994). گونه‌شناسی باعث می‌شود مفاهیم طبقه‌بندی شوند و محدودیت‌هایی ذهنی در مواجهه با کثرت معانی سامان یابند (Latifi, 2018). همچنین با پذیرش تشابهات و تمایزات و قبول امکان شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌ها، موجب تولید نوع خاصی از گونه‌شناسی مرتبط با موضوع می‌شود که امکان توصیف، تفهیم، کاهش

تاریخی و دوره‌ای، در هر دوره به رویکردهای غالب موجود در آن دوره نیز اشاره می‌کند.

پورجعفر (۱۳۹۵) در کتاب خود تحت عنوان «فضاها در شهر، مفاهیم، نظریات و گونه‌ها»، نظریات مرتبط با «فضاهای در شهر» را متناسب با کارهای صورت گرفته به چهار دسته ساختارگرایان^۱، ادراک‌گرایان^۲، رفتارگرایان^۳ و روان‌شناسان محیطی^۴ تقسیم‌بندی می‌کند.

همچنین در منابع لاتین، بیشتر نظریه پردازان تمایل به گونه‌شناسی فضاهای شهری دارند تا جریان‌شناسی نظریه‌های مرتبط با آنها (بنگرید به Carmona et al., 2008; Carmona et al., 2003)؛ البته برخی از تلاش‌های اخیر مانند کتاب «Companion To Public Space» را می‌توان در این بین مجزا کرد (بنگرید به Mehta & Palazzo, 2020).

شاید بتوان نگاه گل و اسواره را در بخش کوتاهی از کتاب «چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم»، به عنوان نوعی دسته‌بندی نظریه‌های فضاهای شهری در قالب مطالعات زندگی همگانی در نظر گرفت، با اینکه خود او نیز خیلی به این موضوع نمی‌پردازد و از آن بهره نمی‌گیرد. یان گل در این خصوص، نوعی نگاه زمانی و تاریخی را ملاک خود قرار می‌دهد. وی این مطالعات را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کند: ۱- آثار اولیه، ۲- نخستین مطالعات زندگی همگانی، ۳- مطالعات زندگی همگانی به عنوان ابزار راهبردی و ۴- مطالعات زندگی همگانی به عنوان جریان اصلی، که در تمامی این دسته‌بندی‌ها، مطالعه زندگی همگانی نقش اصلی در محور مطالعات را دارد (Gehl & Svarre, 2013).

ژلنیتس در کتاب خود با عنوان «فضا و نظریه اجتماعی» از نظریات اندیشمندان مهم اقتصاد سیاسی و مکتب انتقادی کمک می‌گیرد و به نوعی روندهای نظری که در اندیشه این نظریه‌پردازان هست را گونه‌بندی می‌کند (Zieleniec, 2007):

- ۱- فضا‌مندی ضمنی ماتریالیسم تاریخی: کارل مارکس، ۲-
- فضای جامعه‌شناسی صوری: گئورگ زیمل، ۳- تولید فضا: هانری لوفور، ۴- اقتصاد سیاسی فضا: دیوید هاروی، ۵- فضا، دانش و قدرت: میشل فوکو. در خصوص کار ژلنیتس می‌بایست به این نکته اشاره کرد که اولاً فضا در مفهوم کلی آن به کار می‌رود و به مصداق خاصی اشاره نمی‌شود؛ ثانیاً، صرفاً در قالب یک نگاه اجتماعی - سیاسی تمامی ابعاد گنجانده می‌شود. لذا ویژگی این دسته‌بندی به سمت انتزاعی بودن و پیچیده کردن مفاهیمی فضایی پیش می‌رود.

از آنجا که گونه‌شناسی‌های فوق‌الذکر پیرامون یک موضوع خاص (مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد سیاسی، طراحی شهری و ...) مطرح شده‌اند، نتوانسته‌اند همه جوانب مربوط به جریان‌های فکری نظریه‌های فضاهای شهری مختلف را پوشش دهند و تنها به برخی از جنبه‌های آن پرداخته‌اند؛ حال آنکه همان‌طور که

چه نگاهی به فضاهای شهری دارد؛ و معلوم می‌شود آن چیزی که در یک جریان فکری خاص به عنوان فضاهای شهری محسوب می‌شود لزوماً همانی نیست که در جریان فکری دیگری مطرح می‌شود و می‌تواند تعریف و دیدگاه متفاوتی از فضا داشته باشد. در این جریان‌شناسی سعی شده صرفاً بر یک جنبه خاص تمرکز نشود و گستردگی ابعاد نظریه‌های فضاهای شهری نیز در نظر گرفته شود.

پیشینه تحقیق

تا کنون در ارتباط با «نظریه‌های شهری»، گونه‌شناسی‌های مختلفی صورت گرفته است (بنگرید به Allmendinger, 2001 & 2009; Faludi, 1973; Friedmann, 1987; Lang, 1987)؛ اما در ارتباط با «نظریه‌های مرتبط با فضاهای شهری» و نیز گونه‌بندی و جریان‌شناسی آن، تاکنون پژوهش‌های محدود و معدودی انجام شده است.

افروغ (۱۳۹۴) در کتاب «فضا و جامعه» نوعی گونه‌شناسی از رویکردهای مرتبط با فضاهای شهری مطرح می‌کند. او با اشاره به اینکه می‌خواهد روابط و فرایندهای مؤثر در پیدایش فضای فقیر و غنی را آشکار سازد، نظریه‌های مرتبط در این حوزه را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کند و در ذیل دسته دوم، زیردسته‌های دیگری را تعریف می‌کند: ۱- آرای پیشگامان که به آثار متقدمین در خصوص شهر و شهرنشینی می‌پردازد، ۲- نظریه‌های شهری که به جمع‌بندی آرای که تاکنون در خصوص شهر و شهرنشینی بوده می‌پردازد (اکولوژیست‌ها^۱؛ فرهنگ‌گرایی^۲؛ روابط قدرت و مدیریت‌مداری^۳؛ پدیده‌گرایی^۴؛ اقتصاد سیاسی فضا^۵؛ جامعه‌شناسی غیر فضایی شهری^۶). خصوصیتی که در کار افروغ وجود دارد خصلت صرفاً جامعه‌شناسانه نظریه‌ها و نیز بررسی مقوله فضا در حیطه دانش جامعه‌شناسی است.

کاشانی‌جو (۱۳۸۹)، در قلمرو تخصص شهرسازی، به بررسی مهم‌ترین رویکردهای نظری در ارتباط با فضاهای شهری، از انقلاب صنعتی تاکنون می‌پردازد و نیز روند تحولات انجام گرفته در این زمینه را ارزیابی می‌کند. وی با در نظرگیری ویژگی زمانی نظریه‌های فضاهای شهری، آن‌ها را طبقه‌بندی و به طور کلی در سه دوره اصلی گونه‌بندی می‌کند: (۱) پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰ (تأکید بر ادراک فضایی و بصری، از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰) (تأکید بر تأثیرات محیطی - رفتاری، رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی، تأکید بر حرکت در فضای شهری و گسترش پیاده‌مداری ۳) از ۱۹۹۰ تاکنون (رویکرد ایجاد امنیت و مقیاس انسانی در فضای شهری؛ ملاحظات زیست‌محیطی و پایداری). کاشانی‌جو ادعا می‌کند توانسته مهم‌ترین صاحب‌نظران و رویکردهای مرتبط با فضاهای عمومی شهری را خلاصه کند. وی علاوه بر تقسیم‌بندی

رسید. لذا این نظریه‌ها مشهود هستند و به نوعی، ما به ازای بیرونی دارند و با مراجعه به اصل نظریه‌ها و بررسی آن‌ها مقرر است تا جریان‌شناسی موردنظر تبیین شود و از کنارهم گذاری شباهت‌های درون‌گروهی که میان نظریه‌های مختلف وجود دارد، به دسته‌بندی و در نهایت معرفی گونه‌ها برسد. پس با توجه به ویژگی و خصلت گفته‌شده، «راهبرد تجربی» متناسب‌ترین مسیر را در خصوص دستیابی به هدف مقاله فراهم می‌آورد.

• مرحله دوم: ساخت گونه‌شناسی

پس از تعیین و تدقیق راهبرد، می‌بایست ساخت گونه‌شناسی صورت پذیرد. به طور کلی هر گونه‌شناسی از عناصری تشکیل می‌شود که ساخت آن را منجر می‌شود. یک گونه‌شناسی دو بعدی دارای اجزای سلسله‌مراتبی است: اول) سازه‌ها یا مفاهیم کران‌ساز یا ابعاد^{۱۵}، دوم) کران‌ها^{۱۶} و سوم) گونه‌ها^{۱۷}. این اجزا، بر اساس **جدول ۱**، در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و الگوی کلی یک گونه‌شناسی دو بعدی را مشخص می‌کنند.

تحلیل

در این قسمت، هدف اصلی مقاله دنبال می‌شود و جریان‌شناسی رویکردهای نظری مرتبط با فضاهای شهری معرفی خواهد شد. در این راستا با توجه به روش معرفی شده و مراحل که در آن برای دستیابی به گونه‌شناسی نهایی تشریح شد، موارد مرتبط با موضوع در ابتدا تبیین می‌شود و گام‌به‌گام جریان‌شناسی موردنظر تشکیل می‌شود. البته باید در نظر داشت که ساخت یک گونه‌شناسی، نوعی فرایند رفت و برگشتی میان اجزای مختلف (سازه‌ها، کران‌ها و گونه‌ها) در روش ارائه‌شده است.

• سازه‌ها (ابعاد)

با توجه به مطالعات صورت گرفته روی نظریه‌ها و رویکردهای فضاهای شهری، سازه‌ها و ابعادی که می‌توان در گونه‌شناسی دو بعدی پیش رو معرفی کرد شامل سازه اول: بعد تحلیلی - تحقیقی و سازه دوم: بعد ساختاری است. «بعد تحلیلی - تحقیقی»، نخستین سازه‌ای است که تفاوت بنیادین را میان نظریه‌ها ایجاد می‌کند. این سازه در خصوص شیوه تحقیق و نوع مطالعه برای دستیابی به یک نظریه است؛ به عبارت دیگر نظریه‌های فضاهای شهری، بر اساس نوع رویکرد تحلیلی، نحوه گردآوری اطلاعات و نیز چگونگی بررسی این اطلاعات، می‌توانند از یکدیگر متمایز شوند. همچنین «بعد ساختاری»، به رویکردهای حاکم بر تمامیت نظریه که شالوده و ساختار ماهوی آن را می‌سازد، اشاره دارد؛ از آنجا که نظریه‌های فضاهای شهری دارای گستردگی هستند و نیز محدوده‌های فکری مختلف به آن پرداخته‌اند، هر نظریه می‌تواند در یک ساختار فکری - فلسفی خاص خود قرار گیرد.

• کران‌ها

بر اساس آنچه در قسمت روش تحقیق و **جدول ۱** به آن اشاره

پیش‌تر به آن اشاره شد، موضوع «فضاهای شهری» را نمی‌توان صرفاً در یک زمینه فکری واحد بررسی کرد. بر این اساس در جریان‌شناسی پیش رو، سعی می‌شود ابعاد فکری گسترده‌تری با محوریت حیطه فکری شهرسازی معرفی شود و در هر جریان، چارچوب فکری مسلط بر موضوع فضاهای شهری توضیح داده شود.

روش تحقیق

برای رسیدن به یک گونه‌شناسی دو بعدی و فرایند عملیاتی ساخت آن، نیاز به طی کردن دو مرحله است: مرحله اول انتخاب راهبرد گونه‌شناسی و مرحله دوم ساخت گونه‌شناسی (Bailey, 1994 & 2011; Latifi, 2018; Martín-Peña & Díaz-Garrido, 2008; Smith, 2002).

• مرحله اول: انتخاب راهبرد گونه‌شناسی

به طور کلی برای ایجاد یک گونه‌شناسی، سه راهبرد اصلی وجود دارد: راهبرد مفهومی^{۱۲}، راهبرد تجربی^{۱۳} و راهبرد عملیاتی^{۱۴} (ترکیبی از دو راهبرد قبلی) (Bailey, 1994; Latifi, 2018). در «راهبرد تجربی»، با مراجعه مستقیم به مصادیق و مشاهده‌ها، می‌توان گونه‌شناسی تجربی را شکل داد. این راهبرد که جنبه استقرایی دارد، مشاهدات را بر اساس شباهت‌های درون‌گروهی در یک گونه قرار داده و با توجه به تمایزهای مشهود بین مشاهده‌های بین‌گروهی، آن‌ها را در گونه متمایز قرار می‌دهد (Bailey, 1994; Smith, 2002). همان‌طور که در قسمت مقدمه و بیان مسئله به آن اشاره شد، این مقاله به دنبال بررسی نظریه‌های موجود است و در میان بررسی این نظریه‌ها، به یک گونه‌شناسی و جریان‌شناسی مشخص خواهد

جدول ۱. الگوی کلی یک گونه‌شناسی دوبعدی و اجزای آن. مأخذ: نگارندگان.

سازه / مفهوم کران‌ساز (بعد اول)

سازه / مفهوم کران‌ساز (بعد دوم)	کران	کران	کران
		گونه (الف)	گونه (ب)
سازه / مفهوم کران‌ساز (بعد دوم)	کران	کران	کران
		گونه (ج)	گونه (د)
		⋮	⋮

معرفی انواع گونه‌ها و جریان‌های فکری، **جدول ۲** را که در واقع شالوده اصلی این گونه‌شناسی دو بعدی است را تبیین نمود. این جدول الگوی کلی گونه‌شناسی دو بعدی این مقاله را، در خصوص نظریه‌های مرتبط با فضاهای شهری، نمایش می‌دهد.

• جریان‌های فکری (گونه‌ها)

پس از مشخص شدن سازه‌ها و نیز تعیین نمودن کران‌ها، در این مرحله از کنار هم‌گذاری نظریه‌ها بر اساس الگوی گونه‌شناسی دو بعدی که در **جدول ۲** نیز چارچوب کلی آن تصویر شد، گونه‌ها و جریان‌های فکری مختلف تبیین می‌شوند. با توجه به تعاریف گونه‌ها (قطبی، نماینده، شاخص و آرمانی)، از آنجا که گونه‌های ارائه‌شده در این مقاله مبین جریانی از نظریه‌هایی است که مصادیق و رویکردهای آن را می‌تواند در دنیای واقع (علمی و نظری) یافت، از «گونه نماینده» برای معرفی گونه‌ها استفاده خواهد شد. هر یک از گونه‌ها تحت عنوان «جریان فکری» معرفی می‌شوند و به این گونه‌شناسی «جریان‌شناسی» اطلاق می‌شود.

• جریان فکری تجربی - فرهنگی

جریان فکری تجربی - فرهنگی، به فضاهای شهری بر اساس نگاه تاریخی، فرهنگی و هنری می‌نگرد. اندیشمندان این حوزه فکری، از زندگی مدرن در شهرها، انتقاد می‌کنند و آنچه زندگی مدرن می‌سازد را عامل اصلی در دورماندگی مردم شهر از فرهنگ و تاریخ خود می‌دانند؛ ویژگی شهر مدرن را یکنواختی، کسالت‌آوری و نبود زندگی عمومی معرفی می‌کنند و دلیل آن را نبود فضای عمومی و میدان‌ها (به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری) می‌دانند (Bacon, 1974; Cullen, 1995; Krier, 1979; Rapoport, 1969; Sitte, Collins & Collins, 1986; Zucker, 1959).

عموماً فضاهای شهری در نزد جریان فکری تجربی - فرهنگی، فضایی است که توسط عناصر کالبدی احاطه، محدود و محصور شده است (Bacon, 1974; Cullen, 1995; Krier, 1979). می‌توان گفت مشخصه اصلی فضاهای شهری در نگاه اندیشمندان تجربی - فرهنگی، بیشتر جداره‌ای است که توسط عناصر هنری و کالبدی تعریف شده است.

اهمیت دادن به ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی و استفاده از آن‌ها در نظریه‌پردازی، از اصولی اساسی است نویسندگان جریان تجربی - فرهنگی در بررسی و کاوش خود از زندگی شهری و فضاهای شکل‌گرفته، بهره می‌گیرند. این گروه معتقدند که مفهوم اصیل زندگی در شهرها فراموش شده است و فضاهای شهری به دلیل نبود ویژگی‌های فرهنگی و هنری نتوانسته‌اند کیفیت زندگی را بیافرینند (Cullen, 1995; Sitte et al., 1986). در نتیجه بیشتر به دنبال ایجاد مفهوم زندگی در فضاهای شهری هستند. برخورد صرفاً فنی و فارغ از توجهات هنری و فرهنگی مورد پذیرش این دسته فکری نخواهد بود

شد، هر یک از ابعاد اشاره‌شده در قسمت قبل، می‌بایست شامل کران‌هایی شوند. در این مقاله، سازه یا بعد اول (بعد تحلیلی - تحقیقی) به دو کران تجربی و نظری تقسیم می‌شود. «کران تجربی» شامل نظریه‌هایی می‌شود که نظریه‌پردازان آن، دستاوردهای پژوهش خود را مدیون تجربه‌ها و پرسه‌زنی‌های شهری هستند. ایشان با تأکید بر تجربه‌هایی که از شهر، بافت، کالبد، الگوی رفتاری شهروندان، چگونگی مدیریت شهر و ... به دست می‌آورند، به بررسی فضاهای شهری می‌پردازند. در کران تجربی، نظریه‌پرداز بیشتر بر آنچه می‌بیند و حس و تجربه می‌کند، اهمیت می‌دهد تا به آنچه در ابعاد نظری تاکنون به آن پرداخته شده است. پرکاربردترین روش تحقیقی که در کران تجربی به کار گرفته می‌شود، بهره‌گیری از روش‌های میدانی (مشاهده و مصاحبه) و آزمایشگاهی است. «کران نظری» به نظریه‌هایی اشاره دارد که بیشتر دارای نگاه‌های تئوری و بهره‌گیری از نظریه‌های اثبات‌شده گذشته و نیز نقد و بررسی آن‌هاست. در این راستا عموماً موارد ارائه‌شده در کران نظری، انتزاعی و ذهنی بوده و دستاوردهای پژوهش در قالب نگاه نظری اعلام می‌شود. گرچه ممکن است که نظریه‌های استفاده‌شده خود تجربی باشند ولی نظریه‌پرداز نتایج و تحلیل خود را به صورت انتزاعی و نظری بیان می‌کند. روشی که بیشتر مورد استفاده کران نظری قرار می‌گیرد مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتواست.

سازه یا بعد دوم (بعد ساختاری)، به سه کران ادراکی، انتقادی و اجتماعی - سیاسی تقسیم می‌شود. «کران ادراکی»، شامل نظریه‌هایی است که بیشتر به نوع ادراک ذهنی و رفتارشناسی انسان در محیط شهری مربوط می‌شوند و نظریه‌پردازان آن به دنبال کشف آنچه در ذهن مردم می‌گذرد و شکل می‌گیرد، هستند و تأثیر متقابل آن را میان فضاهای شهری و رفتار و ذهنیت مردم می‌سنجند. «کران انتقادی» نگاهی نقادانه و ریشه‌ای به مباحث و نظریه‌های فضاهای شهری دارد و در جستجوی یافتن عیب‌ها و نیز نقد آن‌هاست. گاهی برای دستیابی به اصول انتقادی، فضاهای شهری نقد می‌شوند و گاهی نیز نظریه‌ها و رویکردهایی که باعث ایجاد چنین فضاهایی شدند مورد انتقاد قرار می‌گیرند. «کران اجتماعی - سیاسی» شامل نظریه‌هایی می‌شود که چارچوب‌های فرهنگی و تاریخی جامعه و نحوه تأثیر مسائل سیاسی و اقتصادی بر روی رفتار مردم و نیز چگونگی ایجاد بافت‌های شهری بر اساس این عوامل را بررسی می‌کند. در این راستا نظریه‌پردازان با پایش الگوهای رفتاری، آثار و بافت‌های تاریخی و معاصر، سیاست‌های حاکم بر جامعه و نیز تحلیل رفتارهای انسانی در فضاهای شهری، به ارائه دیدگاه‌های خود می‌پردازند.

با توجه به اینکه تاکنون سازه‌ها (ابعاد) و کران‌های گونه‌شناسی (جریان‌شناسی) مقاله پیش رو، معرفی شده‌اند، می‌توان قبل از

• جریان فکری تجربی - رفتاری

در ادامه جریان فکری تجربی - فرهنگی، که مطلوب خود را در بازخوانی و بررسی بافت‌های تاریخی و فرهنگی می‌یافت، نظریه‌پردازان جریان تجربی - رفتاری، راهکارهای بهبود مسائل شهری را در خود بافت معاصر و کنونی با تمام کم‌وکاستی‌هایش جستجو می‌کنند. ایشان شکل شهرهای کنونی و فضاهای شهری ناکارآمد را نقد می‌کنند و معتقدند با نگاه عمیق‌تر به ساختار شهرهای امروزی و بررسی اثرات ساخت‌وسازهای مدرن که شهر را صرفاً تبدیل به جایی برای اسکان یافتن کرده است، می‌توان علل عدم موفقیت فضاهای شهری معاصر را یافت (Bentley, 1985; Gehl, 2011; Gehl & Svarre, 2013; Whyte, 1980). نظریه‌پردازان تجربی - رفتاری با استفاده از تجربه‌های شهری و پرسه‌زنی در فضاهای شهری به بررسی زندگی شهری مدرن می‌پردازند و سعی می‌کنند شهر و مردم شهر را به خوبی ببینند و تحلیل کنند (Whyte, 1980). این گروه به دنبال کشف اصول، ضوابط و حتی دستیابی به نظریه‌ای هستند تا از طریق آن بتواند همان فضاهای شهری معاصر را سامان بخشند (Gehl, 2011; Whyte, 1980). «مشاهده» کلیدی‌ترین شیوه نظریه‌پردازان این جریان برای دستیابی به اصول فکری‌شان است (بنگرید به Gehl & Svarre, 2013).

نویسندگان جریان تجربی - رفتاری، «فضای عمومی» را مهم‌ترین راه‌حل گریز از مشکلات و معضلات شهر مدرن می‌دانند. آن‌ها معتقدند فضای عمومی با ایجاد بستری برای دیدار یکدیگر و انجام فعالیت‌های روزانه، می‌تواند کمبودها و ضعف‌های اصلی شهر مدرن را، از جمله نبود فضایی برای پیاده‌روی و تجربه کردن شهر، برطرف نماید (Gehl, 2011). البته لازم به ذکر است که فضاهای شهری در نگاه اندیشمندان جریان تجربی - رفتاری بیشتر به پارک‌ها و میادین شهری برمی‌گردد.

می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی راه‌حل جریان فکری تجربی - رفتاری، تناسب آن با نیازها و معضلات کنونی مردم است. در این راستا عموماً فعالیت‌های روزانه مردم و چگونگی رفتار آن‌ها در فضاهای شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد (Gehl, 2011). این گروه بر این باورند با تأکید بر گوناگونی تجربه در فضاهای شهری و با بررسی فعالیت‌ها، رفتارها و تجربه‌های شهری می‌توان به نوعی از اصول و ضوابط برای بهبود عملکرد فضاهای شهری کنونی دست یافت و از آن در طراحی و برنامه‌ریزی استفاده کرد (Bentley, 1985). لذا بیشتر تمرکز و جهت‌گیری فکری‌شان بر رویکردهای تجربه‌محور و حتی احساس‌محور است و غالباً آنچه را تجربه می‌کنند و با احساس درک می‌کنند، بر نگاه‌های نظری ارجح می‌دانند. از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان این جریان فکری می‌توان از یان گل، ویلیام اچ وایت، ایان بنتلی، اسکار نیومن و راجر ترانسیک نام برد.

جدول ۲. الگوی کلی گونه‌شناسی دوبعدی نظریه‌های مرتبط با فضاهای شهری. مأخذ: نگارندگان.

سازه / مفهوم کران‌ساز (بعد اول)	
کران	کران
گونه (الف)	گونه (ب)
کران	کران
گونه (ج)	گونه (د)
...	...
...	...
...	...

سازه / مفهوم کران‌ساز (بعد دوم)

و برخورداردی هنرگونه و فرهنگ‌مبنا را در دستور کار خود قرار می‌دهند و راه ایجاد حیات در فضاهای شهری را پیوند میان فرهنگ و جامعه معرفی می‌کنند.

شیوه‌ای که عموماً نظریه‌پردازان تجربی - فرهنگی از آن بهره می‌گرفتند تجربه کردن بافت تاریخی شهرها و فضاهای شهری و نیز بررسی ماهیت تصمیمات گذشتگان در طراحی فضاهای شهری بوده است (Cullen, 1995). این گروه معتقدند که برای دستیابی به اصول و ضوابط طراحی می‌بایست در بافت حضور داشت. قواعد طراحی در این جریان، از بررسی‌های تاریخی، فرهنگی و هنری استخراج می‌شود. آن‌ها بر این باورند که اصولی که توانسته در طول تاریخ چنین فضاهای موفق را در شهر خلق کند و مفهوم زندگی را در خود داشته باشد، ارزش دوباره استفاده شدن را قطعاً دارند (Krier, 1979; Rapoport, 1969). این یعنی شناخت فرهنگ در راستای شناخت فضای شکل‌گرفته شده در شهر (Rapoport, 1969; Sitte et al., 1986; Zucker, 1959).

می‌توان گفت که بهره‌گیری از الگوی طراحی میدان‌ها و چگونگی سازمان‌دهی بناهای قدیمی و استفاده از بررسی‌های تاریخی، از مهم‌ترین ابزار در واکاوی و مطالعه فضاهای شهری جریان فکری تجربی - فرهنگی است. آن‌ها با رمزگشایی و نیز رمزگذاری در اصول و معیارهایی که از دل این بررسی‌ها به دست می‌آمد تلاش کردند تا چارچوب فرهنگی، تاریخی و هنری را برای فضاهای شهری ایجاد کنند. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این جریان فکری می‌توان به کامیلو سیتته، گوردن کالن، ادموند بیکن، پاول زوکر، آموس راپوپورت و راب کریر اشاره کرد.

• جریان فکری تجربی - انتقادی

این دسته فکری همانند جریان تجربی - رفتاری، به نقد و بررسی شهرهای معاصر و کنونی می‌پردازد. نقد این جریان فکری بیشتر معطوف به آثار و فرایند برنامه‌ریزی‌های متداول و به ظاهر خدشه‌ناپذیری است که بدون هیچ‌گونه اعتراضی، درست و صحیح تلقی می‌شوند (Jacobs, 1961; Tibbalds, 1992). پیشنهادهایی که در این جریان فکری مطرح می‌شوند بیشتر پیشنهادهای کلی و انتزاعی هستند و در حیطه ارائه اصول راهبردی و نوشتاری باقی می‌مانند و معمولاً به نگاه‌های اجرایی توجه نمی‌کنند.

ایشان از اهمیت یافتن اتومبیل در شهر انتقاد می‌کنند و معتقدند که شهرها، امروزه بیشتر برای اتومبیل‌ها ساخته می‌شوند تا برای انسان‌ها (Jacobs, 1961; Tibbalds, 1992). جریان فکری تجربی - انتقادی، «فضای عمومی» را راهکار اصلی برای دستیابی به اهداف انسان‌محوری می‌داند و تأکید می‌کند که اگر این فضاها جذاب باشند بر تمام شهر روح جذابیت را خواهند دمید (Jacobs, 1961; Tibbalds, 1992). فضاهاى شهری در نزد اندیشمندان تجربی - انتقادی بیشتر خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن هستند و با بررسی و نحوه استفاده آن‌ها توسط مردم، چارچوب انتقادی خود را تبیین می‌کنند و از این مشاهده و تجربه، به اصول و چارچوب فکری خود در ارتباط با بهبود فضاهاى شهری دست می‌یابند. از دید جیکوبز (Bentley, 1985) این دو فضا (خیابان و پیاده‌رو) مهم‌ترین مکان‌های عمومی یک شهر هستند که نقش سرنوشت‌سازی در حفظ امنیت شهر دارند. روشی که عموماً جریان تجربی - انتقادی از آن بهره می‌گیرد، اتکا به برداشت‌های تجربی و استقرایی است. فرانسویس تیبالدز و جین جیکوبز از جمله افرادی بودند که در شکل‌گیری این جریان فکری مؤثر واقع شده‌اند.

• جریان فکری تجربی - ادراکی

در میان جریان‌های فکری، گروهی که بیشتر به این موضوع که مردم چگونه شهر را می‌بینند و می‌فهمند، اهمیت می‌دهد، جریان فکری تجربی - ادراکی است. کوین لینچ (Lynch, 1960) در راستای اهمیت‌دادن به درک مردم، از عبارت «تربیت چشم مردم» بهره می‌گیرد و معتقد است آنچه مردم مشاهده می‌کنند، به اندازه ظاهر یک شهر اهمیت دارد؛ زیرا که از پس این مشاهده، ادراکی از شهر در ذهن فرد ایجاد می‌شود و نظریه‌پردازان این جریان، آن را بسیار مهم می‌دانند؛ ایشان معتقدند این ادراک مردم از شهرشان است که منجر به رفتار و کنش‌های آن‌ها در فضاهاى شهری می‌شود (Appleyard, 1976 & 1981; Hall, 1966; Lynch, 1960).

این گروه، شهرهای مدرن و امروزی را از این لحاظ نقد می‌کند که ادراک شهروندان را از فضای همگانی در نظر نمی‌گیرد

و آن را تبدیل به فضای خشک و یکنواخت کرده است (Appleyard, 1976). اندیشمندان جریان فکری تجربی - ادراکی تلاش دارند تا با اصول و روش‌هایی که ارائه می‌کنند این ادراک را عوض کنند و بهبود بخشند^{۱۸}.

ایشان بر این موضوع تأکید دارند که کیفیت بصری و نیز تصورات ذهنی شهروندان از شهر و فرهنگ شهری، عامل اصلی در نوع رفتار و کنش مردمان در فضاهاى شهری است. پس هر چه بیشتر، به ابعاد و ویژگی‌های مختلف این تصویر ذهنی و سازوکار آن پی برده شود، بهتر می‌توان به طراحی شهر و فضاهاى شهری مطلوب نزدیک شد. لذا شناسایی چگونگی ایجاد ادراک ذهنی مردم از شهر و نیز زبانی که هر یک شهروندان برای شناخت و درک خود از شهر به کار می‌گیرند، از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شیوه‌هایی است که این دسته فکری در بررسی فضاهاى شهری و نیز ایجاد تصویر مطلوب ذهنی از شهر، از آن استفاده می‌کنند.

روش غالبی که اندیشمندان تجربی - ادراکی در تحقیقات خود استفاده می‌کنند، بهره‌گیری از روش‌های اندازه‌گیری رفتار و ادراک ذهنی مردم است (بنگرید به Appleyard, 1960; Lynch, 1966) و معمولاً از شیوه تحلیل‌های میدانی بهره می‌گیرند. نظریه‌پردازان تجربی - ادراکی، بر درک شهر از بُعد پیاده بیشتر تأکید دارند و معتقدند شهر را می‌بایست از دید عابر پیاده و نه سواره ادراک کرد (بنگرید به Appleyard, 1960; Hall, 1966; Lynch, 1976). مهم‌ترین اندیشمندان مؤثر بر شکل‌گیری این جریان فکری، افرادی چون کوین لینچ، دونالد ایلپارد و ادوارد تی. هال بوده‌اند.

• جریان فکری نظری - روان‌شناختی

جریان فکری نظری - روان‌شناختی در برخورد با شهر و فضاهاى شهری، عموماً از محورهای مختلفی چون افکار فلسفی، ابعاد روانشناسی محیطی و فردی و چگونگی ارتباط با فضا به صورت شخصی، بین شخصی، غیرشخصی و مفاهیم حس قلمرو بهره می‌گیرد. اندیشمندان این جریان اظهار می‌دارند که نگاه‌های مدرنیستی فهم درستی از زندگی عادی روزمره ارائه نمی‌کند. ایشان نبود «معنا» و «هویت» را در شهرهای امروزی، مورد نظر قرار می‌دهند و هویت‌زدا بودن آن را نقد می‌کنند. در تبیین نقش و جایگاه آدمی، بیش از هر چیز، به جنبه‌های معنایی آن می‌پردازند؛ و از دست دادن «تصور» را، بحران بزرگ روزگار کنونی می‌دانند (Canter, 1976; Relph, 1981; نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ الف).

اهمیت موضوع «معنا» در فضاهاى شهری در این جریان فکری در تمامی ابعاد نظری و تئوری آن‌ها جاری است، به طوری که حتی بر روی تعریف آن‌ها از مفهوم «فضا» تأثیر می‌گذارد. ایشان به جای «فضا»^{۱۹} بر مفهومی به نام «مکان»^{۲۰} تأکید دارند و میان این دو ارتباطی قائل هستند. به عبارت

ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری مدرن و اثراتی که بر ویژگی‌های زندگی شهری و فضاهای شهری می‌گذارد را بررسی و مورد نقد قرار می‌دهد. معمولاً این انتقادات به سمت نقد زندگی مدرن در فضاهای شهری جهت می‌گیرد (Chermayeff & Alexander, 1963; Jacobs, 1961). در این بین اندیشمندانی چون جیکوبز، الکساندر و چرمایف، در قالب این جریان، نظریه‌های خود را ارائه کرده‌اند.

- جریان فکری نظری - اقتصاد سیاسی

بی‌پروترین جریان فکری در خصوص نگرش به پدیده شهر و فضاهای شهری، جریان نظری - اقتصاد سیاسی است. اولین موضوعی که در ارتباط با این گروه باید به آن دقت کرد، مقصود ایشان از مفهوم فضاست. فضا در چارچوب نگاه اقتصاد سیاسی دارای ابعاد بسیار کلی است و به هر آن چیزی که توسط قدرت (سرمایه و حکومت) در طی فرایندی خلق شود، «فضا» گفته می‌شود. در این جریان فکری «تمامی ساختارهای کالبدی، شامل خانه‌ها، راه‌ها، دفاتر، سیستم‌های فاضلاب، پارک‌ها، موسسه‌های فرهنگی، آموزشی و ...، همچنین اقلام سرمایه‌ای که در تولید استفاده می‌شوند (مانند کارخانه‌ها، بزرگ‌راه‌ها، خطوط راه‌آهن، دفاتر و ...)» (Zieleniec, 2007) همه و همه، فضاهای شهری هستند.

فضای شهری در اقتصاد سیاسی، دارای ویژگی‌هایی است که در خدمت قدرت قرار می‌گیرد تا اهداف سیاسی و اقتصادی آن را در جامعه تأمین کند. شاخصه‌ای که قدرت برای فضا، در شهر قائل می‌شود نوعی اهمیت را برای فضا ایجاد می‌کند و این اهمیت دلیلی می‌شود که سرمایه به دنبال مالکیت فضا باشد. مالکیت فضا، مزیت اقتصادی ایجاد می‌کند و کنترل و تسلط بر آن می‌تواند قدرت اقتصادی را تقویت کند (Cuthbert, 2008; Zieleniec, 2007)؛ بنابراین کنترل، سازمان‌دهی، تنظیم و دست‌کاری فضا، به ابزاری در قدرت یافتن عملکرد و ساختار سرمایه و سرمایه‌داری و حتی دولت و حکومت، تبدیل می‌شود و در ادامه، فضا (به عنوان چیزی تملک‌شده) دارای منافع و مزایا برای فرد و یا گروهی می‌شود که حتی فعالیت‌ها و کنش‌های اجتماعی در آن فضا را ابزار سازمان‌دهی و ساختاربخشی کند. در این کشمکش، همیشه قدرت (سرمایه و حکومت)، فاتح این تسلط و کنترل بر فضاهای شهری خواهند بود (Lefebvre, 1991).

فضا، ابزاری است در دستان سرمایه و قدرت، تا در راستای منافعشان بر آن مسلط شوند. آن‌ها حاضرند از هر راه و روشی برای نشان‌دادن این تسلط استفاده کنند، مانند استفاده از یادمان‌ها، نمادها، هنرهای عمومی و ... که نشان‌دهنده اقتدار و سلطه آن‌ها بر جامعه و اجتماع باشد (Cuthbert, 2008; Harvey, 1985; Zieleniec, 2007). در این راستا «زمانی که نظام اقتصادی [حاکم] ساختار فضاهای شهری را شکل

روشن‌تر مکان، فضایی است تجربه‌شده و معنا یافته در ذهن فرد (Relph, 1976).

اندیشمندان نظری - روان‌شناختی، نگاه عمیق‌تری به مقوله فضاهای شهری دارند و دارای رویکرد ترتیبی و مرحله‌ای در بررسی فضا هستند: ایشان از ویژگی‌های فیزیکی بهره می‌گیرند، بر رویدادها تأکید می‌کنند و به اهمیت تجربه و معنای ادراک‌شده انسان از آن فضا توجه دارند و در نهایت به مقوله‌ای به نام «مکان» می‌رسند و از آنجا که در این راستا، تصور و معنایی در ذهن انسان شکل می‌گیرد، پای مقوله‌ای مهم و فراموش‌شده در شهرهای امروزی یعنی «حراز هویت» را به پیش می‌کشند.^{۲۱}

یک مکان، بسته به اینکه از دید چه کسی در نظر گرفته می‌شود، مفهوم و احساس متفاوتی را تداعی می‌کند. لذا شیوه‌ای که افراد، یک مکان ویژه را تعریف می‌کنند، بستگی به مؤلفه‌های خاصی دارد؛ در جریان فکری نظری - روان‌شناختی از این مؤلفه‌ها به عنوان پایه تعریف و طراحی یک مکان بهره می‌برند. پس در این جریان «حس مکان» در ذهن‌های مختلف، متفاوت و هدف نهایی طراحی محیط، «آفرینش مکان»^{۲۲} است (Canter, 1981).

نظریه‌پردازان جریان فکری نظری - روان‌شناختی با بهره‌گیری از رویکردهای فلسفی (غالباً پدیدارشناسی) و روانشناسی در پی آن هستند که بیابند انسان‌ها به چه چیزی فکر می‌کند و چگونه به آن می‌اندیشند. می‌توان گفت که این جریان در پی فهم چگونگی و چرایی «معنی‌دار شدن مکان‌ها» برای مردم است؛ ایشان معتقدند مکان، کانون اصلی شکل‌گیری روابط عمیق احساسی و فیزیکی میان انسان‌ها را شکل می‌دهد؛ پس می‌بایست پیوند میان انسان و محیط پیرامونش را به کمک مفهوم مکان برقرار نمود. کریستیان نوربرگ شولتز، ادوارد رلف و دیوید کانتر را می‌توان از نظریه‌پردازان اصلی این حوزه فکری نام برد.

- جریان فکری نظری - انتقادی

حوزه فکری نظری - انتقادی اغلب در چارچوب مسائل نظری و مفهومی و نیز نقد اندیشه‌های گذشته است. یکی از ویژگی‌های مهم این جریان فکری بررسی و نقد نظریه‌های متداول و مشهوری است که در حیطه نظریه فضاهای شهری مطرح هستند و نیز تبعات استفاده از آن نظریه‌ها را تحلیل می‌کنند. این گروه، از به راحتی پذیرفته شدن برخی از نظریات انتقاد می‌کند و بسیاری از نظریاتی که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرند را عامل اصلی مشکلاتی که در شهرها وجود دارد، می‌داند (Chermayeff & Alexander, 1963; Jacobs, 1961). البته این را هم باید اضافه کرد که عموماً راهکارهای ارائه‌شده در جریان فکری نظری - انتقادی، به صورت انتزاعی است و در سیطره اندیشه باقی می‌ماند. جریان فکری نظری - انتقادی

جریان فکری اقتصاد سیاسی علی‌رغم تعریف و تبیین چنین فضایی، این نوع فضا را محکوم و نقد می‌کنند؛ بنابراین به‌هیچ‌وجه نباید در شناسایی این موضوع دچار اشتباه شد که در جریان فکری اقتصاد سیاسی از این فضا حمایت می‌شود، بلکه کاملاً برعکس، تفکر حاکم بر این جریان با شناختن فضا به دنبال به چالش کشیدن «نحوه به وجود آمدن» آن است. اندیشمندان این جریان چگونگی تسلط قدرت و سرمایه را بر فضا تشریح می‌کنند و به نوعی، مسائل پشت پرده و تأثیرگذار بر زندگی اجتماعی را فاش می‌سازند؛ ولی عموماً به راهکارهای عملی و اجرایی در پاسخ به نقدهایشان نمی‌رسند و در انتزاع باقی می‌مانند (بنگرید به Cuthbert, 2008; Foucault, 1980 & 1984; Harvey, 1973 & 2003; Lefebvre, 1976 & 2018; Zieleniec, 2007 & 2018). مهم‌ترین و سرشناس‌ترین افرادی که در این حوزه فعالیت‌های مؤثری داشتند: هانری لوفور، دیوید هاروی، میشل فوکو و الکساندر کاتبرت هستند.

- جریان فکری نظری - جامعه‌شناختی

جریان فکری نظری - جامعه‌شناختی از لحاظ تعریف و تشریح مفهوم فضا، به جریان اقتصاد سیاسی بسیار نزدیک است، به طوری که گاهی جداسازی و تفکیک آن‌ها از یکدیگر دشوار می‌شود. جریان فکری نظری - جامعه‌شناختی بیشتر اهداف خود را متوجه جامعه و تحلیل بر اساس رفتار افراد جامعه می‌کند، در حالی که جریان فکری اقتصاد سیاسی بیشتر معطوف به رفتار قدرت مسلط بر فضا است.

آن چیزی که شروع نگاه‌های نظری در جریان فکری جامعه‌شناختی است و آن را به مفهوم فضا و فضاهای شهری متصل می‌کند، بررسی چگونگی ارتباط شهر و روستاست. این رابطه و فرایندی که طی آن ایجاد می‌شود، سبب می‌شود تا شهرها، شکل جدیدی از جامعه را در خود بپذیرند؛ این شکل از جامعه و متعاقب آن، رفتار جامعه در شهر و فضاهای شهری توسط جریان فکری جامعه‌شناختی مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

در این جریان فکری، شهر، به عنوان «مظهر قدرت، مکان قوت و هوش اقتصادی، نظامی و سیاسی» (افروغ، ۱۳۹۴)، مکان جذابیت برای روستا می‌شود؛ آن هم شهری که برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود به «تقسیم اجتماعی کار» نیازمند است و به تراکم جمعیت، برای پرکردن فضای کار خود احتیاج دارد (Durkheim, 1933). لذا در یک رابطه مهاجرتی میان شهر و روستا، تقسیم اجتماعی کار کامل می‌شود و شهر جایی می‌شود که «نظام اجتماعی گسترش یافته ... و ... انسجام سیستم بر پایه روابط سلطه و وابستگی متقابل بین شهرها و روستاهای آن‌ها قرار می‌گیرد» (افروغ، ۱۳۹۴)؛ اما برای این سلطه، فضاهایی باید شکل گیرد که بتواند این تسلط را تقویت و تقسیم کار را توانا تر کند. در این راستا نوعی از روابط طبقاتی در سیستم

می‌دهد، نظام ایدئولوژیک، با روشی مشابه، پایه این وضعیت را محکم می‌کند؛ چرا که فضاهای شهری، نه تنها صحنه‌ای برای رویدادها و برخوردهای اجتماعی است بلکه نمایش نمادین این رویدادها، به همراه عقاید و ارزش‌های [مسلطاً] است» (Cuthbert, 2008)؛ بنابراین جامعه‌خواه‌ناخواه با این نوع رفتار ایدئولوژیکی مواجه می‌شود و در نهایت قدرت بر او تسلط می‌یابد.

ولی ترسناک اینجاست که این تسلط از سوی جامعه مسلم و بدیهی پنداشته می‌شود. قدرت و سرمایه با فرمان‌راندن بر این فضاها، عملکردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه را کنترل، تنظیم، پایش و حتی دست‌کاری می‌کنند و در نهایت آن را به نوعی از فرهنگ شهری تبدیل می‌کنند؛ این فرهنگ به شکل «زندگی روزمره» نمایان و در ادامه برای مردم عادی می‌شود. آنچه حاصل این فرایند است، جامعه‌ای است که بدون آنکه بداند زیر سلطه اقتدار سرمایه و قدرت قرار گرفته، موجبات بقای سرمایه‌داری را فراهم می‌آورد (Lefebvre, 1976). به عبارت دیگر، در ظاهر، خواسته‌های مردم با نیازهای اقتصادی و منافع سیاسی قدرت (طبقه سرمایه‌دار و حکومت) بر هم منطبق هستند و اوضاع آرام و عادی است. این وضعیت همان «هژمونی»^{۲۳} سیاسی - اقتصادی» بر جامعه خواهد بود (Foucault, 1980, 1984; Harvey, 1973, 2003; Lefebvre, 1976, 1991).

در جریان فکری نظری - اقتصاد سیاسی به موضوع مهمی اشاره می‌شود که در طول این فرایند (یعنی تسلط بر فضا توسط قدرت، سپس تأثیر بر روابط اجتماعی، و بعد، «بتوارگی»^{۲۴} و در نهایت «کالایی شدن فضا»^{۲۵})، سرمایه‌داری، برای دوام و بقای این فرایند، همواره دست به تولید و خلق «نیاز» می‌زند. هر نیازی برای برآورده شدن به فضا احتیاج دارد؛ پس در کنار مفهوم فضا، الزاماً به موضوع مکمل آن یعنی «خلق و تولید فضا» نیز باید توجه داشت. لوفور می‌گوید: «مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد تولید فضا از سوی قدرت سیاسی است» (Lefebvre, 1991).

بنابراین در این جریان فکری، فضا به عنوان چیزی بیشتر از یک نگاه اقتصادی است و در چارچوب سرمایه‌داری، فضا تبدیل به ابزاری می‌گردد که علاوه بر خاصیت اقتصادی، ویژگی سیاسی نیز می‌گیرد. همواره یک رابطه دوطرفه و چرخه‌ای میان فضای تولیدشده و روابطی که باعث تولید آن فضا می‌شود، برقرار است. گاهی فضا باعث ایجاد روابط می‌شود و گاهی هم روابط باعث ایجاد فضایی می‌شود که خود در ادامه روابطی را تولید می‌کند؛ این چرخش همواره به بازتولید فضا می‌انجامد (بازتولیدی که نیاز می‌آفریند و نیازی که به فضا احتیاج دارد). هر چه این چرخه ادامه یابد، سرمایه‌داری و قدرت نیز بیشتر بقا می‌یابند. اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اندیشمندان

تجربی و نظری است. این جریان فکری و نظریه پردازان آن، به یکی از مهم‌ترین ضعف‌های موجود در نظریه‌های فضاهای شهری پاسخ می‌دهند، آن هم پرکردن خلأ میان بعد تئوری و عملی است. اندیشمندان این حوزه، معتقدند برای حل معضلات شهر و فضاهای شهری می‌بایست هم بر دیدگاه‌های نظری مسلط بود و هم به تجربه‌های شهری اهمیت داد و از پایش و واکاوی توأمان آن‌ها در راستای دستیابی به اصول طراحی و برنامه‌ریزی بهره گرفت؛ لذا صرفاً به یک جنبه خاص از بررسی فضاهای شهری تمرکز نمی‌کنند و ابعاد مختلفی را در نظر می‌گیرند. (Carmona et al., 2008 & 2003; Madanipour, 2000; Mehta & Palazzo, 2020; PPS, 2013).

یکی از دلایل اصلی استفاده هم‌زمان ابعاد نظری و تجربی در این جریان فکری، تدوین اصول و معیارهای طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریتی در شهر و فضاهای شهری است که «قابلیت تحقق‌پذیری» داشته باشند (بنگرید به Carmona et al., 2008; Carmona et al., 2003; Madanipour, 2003; 2010 & 2013). پژوهشگران تجربی - نظری به دنبال آفرینش فضا و مکان موفق هستند. «فضای شهری موفق»^{۲۶} دارای چهار ویژگی اصلی است: الف) در دسترس است؛ ب) مردم در آنجا مشغول فعالیت هستند؛ ج) فضای راحت و آزادی است و تصویر ذهنی خوبی دارد؛ و سرانجام، د) یک مکان قابل معاشرت است (PPS, 2000). آن‌ها به اهمیت وجود فضای عمومی شهری در بافت شهری و استفاده از آن برای ایجاد ارزش در طراحی و برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌ورزند و بیان می‌کنند، از آنجا که فضاهای عمومی موفق، بسیار خوانا و تحرک‌زا هستند، پیوندهای دیداری و اجتماعی خوبی را با نواحی اطراف خود برقرار می‌سازند (Carmona, Latham, Swenarton, 1996 & Chatwin, 1996). می‌توان گفت بحث افزایش «کیفیت عمومی بودن» فضا و چگونگی افزایش میزان این عمومیت و نیز جمع‌پذیری در فضاهای شهری، از اولویت‌های اصلی این جریان فکری است (Carmona et al., 2003; Carmona et al., 1996; Madanipour, 2003 & 2013; PPS, 2000).

نظریه‌پردازان جریان فکری تجربی - نظری به دنبال آن هستند تا یک محیط امن، جذاب و کاربردی را برای جامعه فراهم آورند. در این راستا، اصول و شیوه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که برای ساختن فضاهای شهری و هر چه اجرایی شدن این اصول، مؤثر است. این گروه، سعی در به‌کارگیری دیدی همه‌جانبه به موضوع فضاهای شهری دارد، از قبیل جنبه‌های ریخت‌شناسی، ادراکی، تاریخی، کالبدی و ...؛ آن‌ها در نگاه نظری، علاوه بر بازخوانی نظریه‌های مرتبط، مفاهیم مهمی چون اقتصاد و مدیریت را نیز بازشناسی می‌کنند و در دنیای عمل و تجربه، به دنبال نحوه اجرا و تحقق‌پذیری مفاهیم و چارچوب نظری و فکری خود هستند. ایشان در جستجوی مفهوم‌سازی

شهری و اقتصاد و مدیریت حاکم بر آن شکل می‌گیرد و این روابط طبقاتی در فضاهای گوناگون نمود می‌یابند (برای نمونه شکل‌گیری بافت شمال شهر و جنوب شهر از واضح‌ترین نمونه‌های شکل‌گیری این نوع از فضاهاست). لذا به هیچ‌وجه نمی‌توان نقش قدرت و سرمایه را در این نوع از جامعه شهری نادیده گرفت (و اینجا دقیقاً همان جایی است که این جریان فکری با جریان نظری - اقتصاد سیاسی پیوند می‌خورد).

امیل دورکیم (۱۹۳۳) معتقد است شهر، هم‌زمان با توسعه و ساخت فضاها و ابزارهای جدید مانند ابزارهای نوین حمل‌ونقلی و ارتباطات، بر تقویت «تقسیم کار» دامن می‌زند؛ وی می‌گوید: «جمعیت شهری تنها از طریق تمایز یافتگی کارکردها امکان بقا دارند. در شهر، حرفه‌های گوناگون با یکدیگر همزیستی دارند بدون آنکه یکدیگر را نابود کنند، چون هر کدام اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند» (دورکیم به نقل از افروغ، ۱۳۹۴). این تمایز یافتگی که دورکیم به آن اشاره دارد در شهر خود در قالب فضا، نمایش می‌یابد که توسط افراد جامعه و در تناسب با طبقه آن جامعه پُر می‌شود و در نهایت «جامعه طبقاتی» در فضاهای شهری شکل می‌گیرد.

جدا از اهمیتی که جریان فکری نظری - جامعه‌شناختی برای شکل‌گیری فضا و تمرکز جمعیت برای تقسیم کار و جامعه طبقاتی قائل است، در این جریان می‌توان آرایبی را یافت که به «تحلیل رفتارهای جامعه شهری» و بررسی نحوه گذراندن زندگی «از طریق امکانات و فضاهای شهری» می‌پردازد. زیمل با معرفی فروشگاه‌های بزرگ و مگامال‌ها به عنوان «پرستشگاه‌های مدرن مصرف و مصرف‌گرایی» می‌گوید تنها موضوع مشترکی که در میان همه افرادی که از این فضاها استفاده می‌کنند، وجود دارد؛ نوع مشغولیتی است که انسان را دچار هیپنوتیزمی واقعی می‌کند، که کارش سرگرم کردن او و فراموش‌سازی فشاری است که در فضاهای شهری و زندگی مدرن بر انسان تحمیل می‌شود (Simmel, 1994 & 1997).

پس می‌توان گفت که در این جریان فکری، فضا به عنوان ابزاری در راستای اهداف قدرت و سرمایه، برای کنترل غیرمستقیم و نیز تنظیم اجتماعی و فرهنگ شهری مردم است. شبیه آن چیزی که در جریان نظری - اقتصاد سیاسی به آن اشاره شد، با این تفاوت که جریان جامعه‌شناختی بیشتر بر ویژگی‌های جامعه‌شناختی فضا و کنش‌های رفتاری مردم تمرکز دارد، در حالی که جریان اقتصاد سیاسی، به نقد رویکرد سرمایه برای تولید و بازتولید این فضاها می‌پردازد. جورج زیمل، امیل دورکیم و آنتونی گیدنز از تأثیرگذارترین اندیشمندان این جریان فکری هستند.

- جریان فکری تجربی - نظری

جریان فکری تجربی - نظری، جریانی است که شروع آن بیشتر از ابتدای آغاز قرن ۲۱ بوده است و محل تلاقی دو دیدگاه

را مشخص کرده است. همچنین، با تعریف و چارچوب‌بندی جریان‌های فکری، می‌توان در خصوص تحقیق‌های آتی در زمینه فضاهای شهری، از یک یا چند جریان فکری استفاده کرد و در درون آن جریان فکری، فضاهای شهری مورد نظر را تعریف و مطالعه کرد؛ توسط این جریان‌شناسی می‌توان بهتر و بیشتر به ادراک آنچه نظریه‌پردازان از فضاهای شهری مطرح کرده‌اند، دست یافت. بر اساس آنچه ارائه شد رویکردهای نظری مرتبط با فضاهای شهری را می‌توان در قالب سه کلان‌جریان و هشت جریان فکری گونه‌بندی کرد (جدول ۴).

در ۱) کلان‌جریان تجربی، دستاوردهای پژوهش، از تجربه‌ها و پرسه‌زنی‌های شهری به دست می‌آیند. در این کلان‌جریان نظریه‌پرداز بیشتر بر آنچه می‌بیند، حس و تجربه می‌کند، اهمیت می‌دهد تا به آنچه در ابعاد نظری تاکنون به آن پرداخته شده است. در کلان‌جریان تجربی، اصول، چارچوب، معیارها و شاخص‌ها، از تجربه‌ها به دست می‌آیند. لذا این کلان‌جریان به ابعاد عملی نزدیک‌تر است و قابلیت اجرایی بیشتر دارد و بدین منظور، غالباً از روش‌های میدانی (مشاهده و مصاحبه) و آزمایشگاهی بهره می‌گیرد. کلان‌جریان تجربی شامل چهار جریان فکری است: ۱-۱) جریان فکری تجربی - ادراکی - فرهنگی ۱-۲) جریان فکری تجربی - رفتاری، ۱-۳) جریان فکری تجربی - انتقادی و ۱-۴) جریان فکری تجربی - ادراکی در ۲) کلان‌جریان نظری، آنچه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد بهره‌گیری از نظریه‌ها و نیز نقد و بررسی آنهاست. در این کلان‌جریان، موارد بیشتر انتزاعی و ذهنی بوده و اندیشمندان دستاوردهای پژوهش خود را در قالب نگاه نظری اعلام می‌دارند. روشی که بیشتر مورد استفاده کلان‌جریان نظری قرار می‌گیرد مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا و خروجی نهایی کار ایشان ارائه تئوری‌های نظری است. چهار جریان فکری در ذیل کلان‌جریان نظری معرفی می‌گردد: ۱-۲) جریان فکری نظری - روان‌شناختی، ۱-۲) جریان فکری نظری - انتقادی، ۱-۳) جریان فکری نظری - اقتصاد سیاسی و ۱-۴) جریان فکری نظری - جامعه‌شناختی.

۳) کلان‌جریان تجربی - نظری به دنبال پر کردن خلأ میان بعد تئوری و عملی است. این کلان‌دسته فکری دربرگیرنده ویژگی دیدگاه‌های تجربی و رویکردهای نظری است. استفاده توأمان از ابعاد نظری و تجربی و نیز دید همه‌جانبه داشتن از خصوصیات اصلی کلان‌جریان تجربی - نظری است. این کلان‌جریان فکری در جستجوی تدوین اصول و معیارهای طراحی و برنامه‌ریزی برای فضاهای شهری است که «تحقق‌پذیر» باشند. پژوهشگران تجربی - نظری به دنبال آفرینش فضا و مکان موفق شهری و نیز افزایش کیفیت عمومی بودن فضا و جمع‌پذیر شدن آن هستند. ایشان از تخصصی شدن صرف در کارها پرهیز می‌کنند و معتقدند با علم

هستند و در کنار این قواعد و الگوها، در نظریه‌هایشان همواره بر فرایند رسیدن به راهکار حل مسئله تأکید می‌کنند. از تخصصی شدن صرف کارها پرهیز می‌کنند و معتقدند با علم به مبانی، می‌بایست راه‌حل‌ها را از تجربه و تئوری‌ها استخراج کرد (Carmona, 2019; Carmona et al., 2008; Carmona et al., 1996).

از آنجا که این جریان فکری، نوین است و بیشتر اندیشمندان این حوزه فکری، در دهه‌های اخیر به پویای و ارائه مقالات و کتاب پرداخته‌اند (بنگرید به: Bjerkeset & Aspen, 2020; Franck & Huang, 2020; Karimnia & Haas, 2020; Leclercq & Pojani, 2020; Rishbeth, 2020) پیش‌بینی می‌شود که جریان فکری تجربی - نظری، در ادامه بسیار گسترده‌تر از آن چه امروز هست، شود و خود بتواند جریان‌های فکری دیگری را در دل خود ایجاد و جریان‌سازی کند. نظریه‌پردازان مهمی چون علی مدنی‌پور و متیو کرمونا پژوهش‌های شاخص و تأثیرگذاری را در این چارچوب ارائه کرده‌اند.

بحث و یافته‌های پژوهش

با توجه به مراحل طی شده و با استفاده از سازه و کران‌های ارائه‌شده، گونه‌های نماینده (جریان‌های فکری) معرفی و تشریح شدند. لذا می‌توان در تکمیل جدول ۲ در ادامه، جدول ۳ را ارائه کرد که عملاً نهایت روش ساخت گونه‌شناسی دویبعدی در این مقاله بوده؛ این جدول ارائه‌کننده جریان‌شناسی نظریه‌های مرتبط با فضاهای شهری و نحوه ارتباط میان اجزای گونه‌شناسی است.

در گامی فراتر از خروجی روش استفاده‌شده در مقاله و نیز برای اینکه درک روشن‌تری از جریان‌شناسی ارائه‌شده حاصل شود، می‌توان جدول ۳ را به صورت «ساختار درختی» ارائه کرد (تصویر ۱)؛ با این توضیح که با توجه به بعد تحلیلی - تحقیقی می‌توان به سه جریان اصلی، تحت عنوان «کلان‌جریان» دست یافت. با این توضیح، سه کلان‌جریان (۱) تجربی، (۲) نظری و (۳) تجربی - نظری معرفی می‌شوند. هر یک از «کلان‌جریان‌ها» خود نیز تقسیم‌بندی‌ها و زیردسته‌های مربوط به خود را دارند که همان «جریان‌های فکری» معرفی شده هستند؛ تصویر ۱ نمای کلی از این جریان‌شناسی را نمایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در جریان‌شناسی ارائه‌شده سعی شد تا با دید گسترده‌تر به موضوع فضاهای شهری پرداخته شود و دیدگاه‌های مختلف در این خصوص تشریح و تبیین شوند. این جریان‌شناسی صرفاً به دنبال دسته‌بندی نظریه‌ها نبوده، بلکه نوعی چارچوب فکری برای اندیشیدن در خصوص موضوع فضاهای شهری

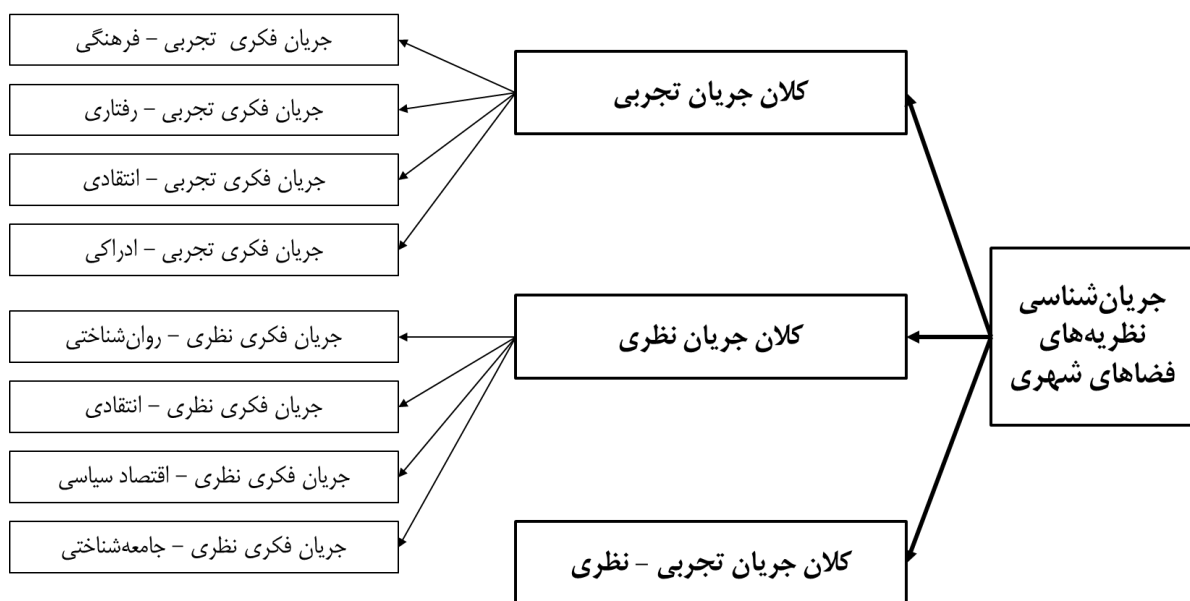
جدول ۳. گونه‌شناسی دوبعدی از جریان‌شناسی نظریه‌های مرتبط با فضاهای شهری. مأخذ: نگارندگان.

بعد تحلیلی - تحقیقی

نظری	تجربی		
جریان فکری	جریان فکری	سیاسی - اجتماعی	بعد ساختاری
نظری - جامعه‌شناختی	تجربی - فرهنگی		
جریان فکری	جریان فکری	اجتماعی - سیاسی	
نظری - اقتصاد سیاسی	تجربی - رفتاری		
جریان فکری	جریان فکری	انتقادی	
نظری - انتقادی	تجربی - انتقادی		
جریان فکری	جریان فکری	ادراکی	
نظری - روان‌شناختی	تجربی - ادراکی		

جریان فکری

تجربی - نظری



تصویر ۱. ساختار درختی از جریان‌شناسی رویکردهای نظری مرتبط با فضاهای شهری. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۴. جریان‌شناسی رویکردهای نظری مرتبط با فضاهای شهری. مأخذ: نگارندگان.

حوزه فکری	مفهوم فضاهای شهری	شیوه برخورد با فضاهای شهری	رویکرد اصلی	مهم‌ترین اندیشمندان	نام جریان فکری
طراحی	فضای است که توسط عناصر کالبدی احاطه، محدود و محصور شده است	تجزیه‌کردن بافت تاریخی و فضاهای شهری و بررسی ماهیت تصمیمات گمشدگان	برخوردی هنرگونه و فرهنگ‌سبنا	کلسلو سسته، گوردن کان، ادوموند بیکن، پاول زوکر، اوس راپوپورت	تجربی - فرهنگی
طراحی	پارکها، میدان و خیابان	استفاده از تجربه‌های شهری و پرسش‌زنی در فضاهای شهری معاصر	جستجوی راه‌حل مشکلات در درون همان شهر بر از معضل تجربه‌محور و احساس‌محور و دور از نگاه نظری	یان گل، ویلیام اچ وایت، ایان بنتلی، اسکار نیومن، راجر تانسیک	تجربی - رفتاری
مدیریتی برنامه‌ریزی	خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن	بررسی خیابان‌ها و پیاده‌روها و نحوه استفاده آن‌ها توسط مردم در چارچوب انتقادی	نقد و بررسی وضعیت موجود شهرهای معاصر و مدرن	فرانسس تیبالدز، جین جیکوبز	تجربی - انتقادی
طراحی	خیابان‌ها و میدان شهری	شناسایی چگونگی ادراک ذهنی مردم پویگری از روش‌های اندازه‌گیری رفتاری و ذهنی مردم و تحلیل‌های میدانی	تجزیه و تحلیل تصور و ادراک ذهنی مردم از شهر و فضاهای شهری و تلاش برای تغییر و بهبود تصویر ذهنی مردم	کون لیبچ، دونالد ایلارد، ادوارد تی. هال	تجربی - ادراکی
معماری طراحی	مکان، فضای با معنا و رویدادمحور	پدیدارشناسی: شناخت هر پدیده وابسته به تجربه مستقیم و بی‌واسطه آن پدیده	بهره‌گیری از رویکردهای فلسفی و روانشناسی ایجاد معنا و هویت ایجاد حس مکان در فضاهای شهری	کریستیان بوربرگ شولتز، ادوارد رلف، دیوید کالتر	نظری - روان‌شناختی
برنامه‌ریزی	خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن	روش‌های کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا	بررسی و نقد نظریه‌های متناوب فضاهای شهری و تمات استفاده از آن‌ها	سرگئی چرمانف، کریستوفر الکساندر، جین جیکوبز	نظری - انتقادی
مدیریتی	هر آن چیزی که در شهر با توجه به توسعه شهری حکومت در طی فرایندی خلق می‌شود، فضاهای شهری و سرمایه	بررسی و شناسایی ویژگی‌های ساختار قدرت و سرمایه حاکم بر جامعه و چگونگی اقتصاد سیاسی فضا به عنوان شیوه (اصلی) برای فضایی کردن توسط قدرت و سرمایه	نقد و واکنز ویژگی‌های قدرت و سرمایه و نیز روش‌سازی چگونگی تأثیرات قدرت و سرمایه روی فضا و جامعه و نحوه استفاده از فضا برای حیات و ادامه یافتن خود	هانری لوفور، دیوید هاری، میشل فوکو، الکساندر کانبرت	نظری - اقتصاد سیاسی
مدیریتی برنامه‌ریزی	فضای موفق شهری: فضای در دسترس، فعال، راحت، دارای تصویر ذهنی خوب و دارای بستری برای معاشرت و جمع شدن در آن	تدوین اصول و الگوهای فکری برای ایجاد فضاهای شهری موفق	تحلیل بر روی رفتار افراد جامعه در قالب موضوعات جامعه‌شناسانه و نحوه شکل‌گیری فضاهای شهری متناسب با ویژگی‌های طبقاتی جامعه	جورج زبیل، امیل دورکیم، آنتونی گینز، مینو کرمونا، علی مدنی‌پور	جامعه‌شناختی
برنامه‌ریزی	برای معاشرت و جمع شدن در آن	تدوین اصول و الگوهای فکری برای ایجاد فضاهای شهری موفق	تأکید بر بهره‌گیری توانان از مباحث نظری و تجربیات عملی به دنبال آفرینش فضا و مکان موفق شهری افزایش کیفیت، عمومی بودن فضاهای شهری و جمع‌پذیر کردن آن		کلان‌جریان نظری - تجربی

به مبانی، می‌بایست راه‌حل‌ها را از تجربه‌ها و تئوری‌ها استخراج کرد.

پی‌نوشت

۱. استفاده از عبارت فضاهای شهری (Urban Spaces) به جای عبارت فضای شهری (Urban Space) به این علت بوده است که عبارت «فضای شهری» (به صورت مفرد) می‌تواند ابهام‌زاد باشد و چندخوانی ایجاد کند؛ به عبارت روشن‌تر، می‌توان برای آن مصادیق گوناگونی را یافت و در نخله‌های فکری مختلف، کاربردها و تعاریف متنوع و متفاوتی برای «فضای شهری» پیدا کرد؛ برای نمونه کلمه «فضا و فضای شهری» در نگاه اقتصاد سیاسی هر آن چیزی است که توسط سرمایه و سرمایه‌داری ایجاد و تولید می‌شود، حال آنکه از نگاه برخی از شهرسازان، بیشتر به اماکن باز اشاره دارد که دارای تعاملات اجتماعی است؛ یادر نگاه‌های معماری و مقیاس‌های کوچک‌تر، حتی فضاهای معمارانه و داخلی هم جزئی از فضای شهری قلمداد می‌شوند. لذا این تفاوت‌ها در تعریف از «فضای شهری» باعث ایجاد چندخوانی می‌شود، لیکن تنها نقطه مشترک بین همه این تعریف‌ها این است که هر یک از این فضاها در نهایت در بافت شهری وجود دارند؛ بنابراین، برای اینکه در انتخاب واژه جامعیتی وجود داشته باشد و به نوعی هم‌پوشانی فضاهای مختلف را در شهر تصویر کند، بهتر است به جای استفاده از عبارت «فضای شهری» از «فضاهای شهری» (به صورت جمع) استفاده شود که نمایانگر این فراوانی و تنوع باشد. گرچه تعریف و تدقیق این موضوع خود به یک پژوهش مجزا نیازمند خواهد بود.

۲. دیدگاه اکولوژیست‌ها: این مکتب سعی کرده است تا مفاهیم زیست‌شناختی را برای فهم شهر به کار گیرد (افروغ، ۱۳۹۴).

۳. دیدگاه فرهنگ‌گرایی: تعبیری که از یک‌سو بیانگر اختلاف و تنشی است که نظریه پردازان این دسته فکری، بین زندگی روستایی و زندگی شهری قائل بوده و از سوی دیگر تا حدی بیان‌گر تمایل آنان به زندگی با فرهنگ روستایی است (همان).

۴. دیدگاه روابط قدرت و مدیریت‌مداری: درگیری‌های سیاسی حول کاربری زمین، انرژی اجتماعی، محرومیت‌های آموزشی طبقه کارگر و... (همان).

۵. دیدگاه پدیده‌گرایی: این دیدگاه دارای موضعی تقریباً نافیضایی است که می‌گوید شهر و فضای شهری در واقع چیزی جز یک پدیده نیست... شهر یک هستی مستقل و یک نظام عمل‌کننده نیست که بتوان درباره آن نظریه ارائه کرد (همان).

۶. دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا: برخلاف دیدگاه‌های قبل کمابیش حول و حوش مسئله شهر شکل گرفته... در واقع دلالت‌های فضایی مباحث گسترده‌تر را در دستور کار خود قرار داده است، مباحثی که به یک معنا معطوف به بعد اقتصادی و روابط ناشی از آن بود؛ مباحثی که به گونه‌های ریشه در مارکسیسم داشت (همان).

۷. دیدگاه‌های جامعه‌شناسی غیر فضایی شهری: با پشت سر گذاشتن مراحل فضایی و نافیضایی... به ارائه رویکردی بینابینی در ارتباط با مقولات فضایی با فرایندهای اجتماعی می‌پردازد (همان).

۸. ساختارگرایان: افرادی چون متیو کرومونا، ریچارد راجرز، کلیف ماتین، ادموند بیکن، پاول زوکر، راب کریر (پورجعفر، ۱۳۹۵).

۹. ادراک‌گرایان بر این باورند که ساکنان شهر به وسیله حواس پنج‌گانه تمایز فضاها و مکان‌ها را درک می‌کنند. این ادراک بر مبنای دریافت ساکنان از شهر است (همان).

۱۰. رفتارگرایان: بر این باورند که طراحی فضای شهری بایستی بر اساس نیازهای روحی روانی افراد جامعه صورت پذیرد. در این رابطه شناخت نیازها، فعالیت‌ها و نحوه ادراک و رفتارهای انسان در اولویت است (همان).

۱۱. روانشناسان محیطی: آن‌ها روابط متقابل انسان و محیط را دستمایه کار خویش قرار داده‌اند و از آن برای طراحی فضاهای شهری بهره برده‌اند. تأثیری که انسان بر محیط و محیط بر انسان می‌گذارد باید مورد توجه قرار گیرد (همان).

۱۲. (Conceptual Strategy) راهبرد مفهومی: با استفاده از مفاهیم بنیادی و از کل به جزء رفتن، با الگویی شبیه به آنچه در تحقیق به رویکرد قیاسی مشهور شده، مفاهیم به اجزای کوچک‌تر تقطیل می‌یابند. در این راهبرد سازه‌های ذهنی یا طبقات و حتی گونه‌ها بدون توجه به ماباهای موجود و تجربی تعریف می‌شوند (Bailey, 1994 & 2011)

۱۳. Empirical Strategy) راهبرد عملیاتی: ترکیبی از راهبرد تجربی و مفهومی را

مندظر قرار می‌دهد. این راهبرد محصول رفت‌وبرگشت بین مفاهیم و مصادیق است و برآمده از به‌کارگیری توانان قیاس و استقرار (Bailey, 1994; Latifi, 2018)

۱۵. سازه‌ها/ مفاهیم کران‌ساز/ ابعاد: گونه‌ها بر روی مفاهیم نظری بنا شده‌اند که به عنوان سازه‌های نخستین یا مفاهیم کران‌ساز معرفی می‌شوند. در این راستا در گونه‌شناسی دو بعدی، هر بعد نشان‌دهنده یک نوع سازه است. بدیهی است که یک محقق می‌تواند با انتخاب مفاهیم کران‌ساز متفاوت، گونه‌شناسی متمایزی را از مصادیق یکسان نشان دهد (Bailey, 1994 & 2011; Doty & Glick, 1994)

۱۶. کران: هر سازه با بعد شامل چند کران می‌شود. گونه‌شناسی، به سبب تمایزی که بین مصادیق ایجاد می‌کند، خوانا خواهد نوعی مرزبندی را ایجاد می‌کند. به این مرزبندی در گونه‌شناسی «کران» گفته می‌شود. کران‌ها ویژگی‌های مشترک برخی از گونه‌های باشند که در ارتباط دودویی با یکدیگر قرار می‌گیرند و گونه‌ها از ویژگی‌های آن‌ها برخوردار هستند (Bailey, 1994; Smith, 2002)

۱۷. گونه مفهومی و چارچوبی است که از مجموعه‌ای مصادیق همسان انگاشته شده، شکل یافته است و برجسی برای مصادیق خارجی با ذهنی است (Martin-Peña & Diaz, 2002; Garrido, 2008; Smith, 2002). گونه‌ها بر حسب کاربرد و نحوه قرار گرفتن آن‌ها در گونه‌شناسی به گونه‌های قطبی، گونه‌های نماینده، گونه‌های معیار (شاخص) و گونه‌های آرمانی قابل دسته‌بندی هستند. در گونه‌های قطبی (Polar types) دست‌کم دو گونه وجود دارند که مخالف یکدیگرند و در دو سر طیف قرار می‌گیرند. گونه‌های نماینده (Representative types) در واقع نماینده دسته‌ای از مصادیق عینی یا ذهنی هستند. گونه‌های معیار/ شاخص (Criteria types) دارای اهمیت بالایی است و می‌تواند به عنوان معیار و شاخص برای مقایسه استفاده شود. گونه آرمانی (Ideal type) گونه‌ای نیست که واقعیت را تبیین کند بلکه بیشتر یک مفهوم انتزاعی و دست‌نیافتنی و در عین حال مطلوب است که توسط محقق ساخته شده تا فاقی را برای سنجش تناسب پدیده‌ها با یک الگوی ایدئال میسر سازد (Latifi, 2018; نیومن، ۱۳۸۹).

۱۸. این تفاوت در نحوه درک از فضاهای شهری، با اصطلاحاتی چون شهری شخصی شده (Personal City) یا دانش شهری (Urban Knowledge) به کار می‌رود (Appleyard, 1976)

۱۹. Space

۲۰. Place

۲۱. آنچه در جریان فکری نظری-روان‌شناختی مورد تأکید قرار می‌گیرد، همین «فقدان حس مکان در فضاهای شهری» است. این گروه معتقدند زندگی درون فضا رخ می‌دهد و مکان می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، معنای ادراک‌شده از محیط، دارای جنبه‌های فضایی است که چارچوبی را برای اعمال انسان (رفتارها) مشخص می‌کند؛ این چارچوب رفتاری در شهر، همواره دارای جنبه فضایی است که موجب احراز و بدست آوردن هویت می‌شود.

۲۲. The creation of place

۲۳. «هژمونی» بر این موضوع تأکید می‌کند که طبقه مسلط، برای تسلط خود نه تنها از نظر سیاسی و اقتصادی جامعه را زیر نظارت دارد، بلکه شیوه خود را بر روابط اجتماعی چنان همه‌گیر می‌کند که برای افراد جامعه به صورت «عقل سلیم» در می‌آید و آنانی که زیر تسلط قرار می‌گیرند این نگرش را همچون پاره‌ای از «نظم طبیعی» جهان می‌پذیرند (آشوری، ۱۳۸۷). اما قدرت و سرمایه چگونه این کار را می‌کند؟ با ایجاد فضاهایی که بتواند انضباط‌های مورد نیاز خود را در جامعه انتشار دهد؛ این فضاها در جریان نظری-اقتصاد سیاسی، می‌تواند مدرسه، خانه، محل کار، زندان، محل تفریح و هر فضایی باشد که این نظم مورد نظر را انتقال دهد؛ در این فضاها، روش‌های انضباطی از قبیل تشویق، تنبیه، تعلیم و تربیت، روش‌های ایجاد هژمونی می‌شوند و به قول فوکو «چشم قدرت» بدون آن که زیر سؤال برود بر جامعه تحمیل می‌شود و ناظر همیشگی خواهد بود و همچنین از نظر هاروی بدین طریق، ارزش سرمایه و قدرت به زندگی روزمره القا می‌شود (Zielnec, 2007)

۲۴. فیتیشیسم (Fetishism)، با عبارتی چون «بت‌وارگی»، «شی‌وارگی» و «شی‌شدگی» ترجمه شده است. فیتیشیسم کالایی، فرایندی است که سازندگان آن فراموش می‌کنند که کار و تلاش خود آنها بوده که به کالا ارزش داده است؛ ولی این اعتقاد به وجود می‌آید که ارزش کالا از طبیعت خود محصول ناشی می‌شود و ناشی از فروش بازار آن است. این طرز نگرش باعث از میان رفتن کنترل فرد یا افراد بر کالاها می‌شود و آن را به مثابه واقعیتی اجتماعی فراسوی اراده آدمی می‌بینند. پس شی‌وارگی فرایندی است که این اعتقاد را پدید می‌آورد که کالاها و همچنین رفتارهایی که توسط انسان بوجود آمده است طبیعی، عام و مطلق هستند و اینکه سازمان‌ها و ساختارها از کنترل آدمی خارج‌اند. در این دیدنه تنها کالا در حد شیء بلکه کل ساختارهای جامعه چون شیء تلقی می‌شوند.

۲۵. همه چیزهای طبیعی (کوه، جنگل، زمین و...) و غیر طبیعی (موجودات بی‌جان)، بنا بر نگاه هستی‌شناختی نمی‌توانند کالا (چیز قابل فروش) باشند یا کالا بشوند؛ اما سرمایه‌داری می‌کوشد همه آن‌ها را به چیزهایی قابل تملک، توارث و خرید و فروش تبدیل کند. از این رو می‌توان گفت، آن چیزها به واسطه منطق شیوه سرمایه‌داری به نحوی «کالا» می‌شوند. کالایی شدن فضا نیز از این مفهوم تبعیت می‌کند.

۲۶. Great Public Space

فهرست منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۷). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
- افروغ، عماد. (۱۳۹۴). *فضا و جامعه: فضای شهری و نابرابری اجتماعی*.

Architectural Press.

- Cuthbert, A. R. (2008). *The form of cities: Political economy and urban design*. Oxford: Wiley.
- Doty, D. H. & Glick, W. (1994). Typologies as a unique form of theory building: Toward improved understanding and modeling. *Academy of management review*, 19(2), 230-251.
- Durkheim, E. (1933). *The division of labor in society* (G. Simpson, Trans.). New York: The Macmillan.
- Einstein, A. (1953). Forward to concept of space. Princeton.
- Faludi, A. (1973). *Planning theory. Urban Regional Planning Series*, Oxford: Pergamon Press.
- Foucault, M. (1980). *Power/knowledge: Selected interviews and other writings, 1972-1977*. New York: Pantheon Books..
- Foucault, M. (1984). *Space, knowledge and power. The foucault reader*. London: Allen Lane Penguin, 239(256).
- Franck, K. A. & Huang, T. (2020). *Types: Descriptive and analytic tools in public space research. In Companion to Public Space* (pp. 209-220). Routledge.
- Friedmann, J. (1987). *Planning in the public domain: From knowledge to action*. UK: Princeton University Press.
- Gehl, J. (2011). *Life between buildings: using public space*. Island press.
- Gehl, J. & Svarre, B. (2013). *How to study public life*. Island press.
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. University of California Press.
- Hall, E. (1966). *The Hidden Dimension. In Garden City*. NY: Doubleday.
- Harvey, D. (1973). *Social justice and the city*. London: Edward Arnold.
- Harvey, D. (1985). *The Urbanization of Capital: Studies In The History And Theory of Capitalist Urbanization*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Harvey, D. (2003). The right to the city. *International journal of urban regional research*, 27(4), 939-941.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Vintage.
- Jammer, M. (1969). *Concepts of space: The history of theories of space in physics*. Foreword by Albert Einstein.
- Kant, I. (1929). *Critique of pure reason* (N. K. Smith, Trans.). NY: St. Marin's Press.
- Karimnia, E. & Haas, T. (2020). Appropriation of public space: A dialectical approach in designing publicness. *In Companion to Public Space* (pp. 35-45). Routledge.
- Krier, R. (1979). *Urban space. Academy editions*. London: Academy Editors.
- Lang, J. (1987). *Creating architectural theory The role of the behavioral sciences in environmental*. United Kingdom: Van

تهران: علم.

- پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۵). فضاها در شهر، مفاهیم، نظریات و گونه‌ها. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- کاشانی‌جو، خشایار. (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. هویت شهر، ۴(۶)، ۹۵-۱۰۶.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۸۴). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی (ترجمه محمدرضا جودت). تهران: آگه.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۹۳ الف). *گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان* (ترجمه ویدا نوروزبرازجانی). تهران: پرهام نقش.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۹۳ ب). *وجود، فضا و معماری* (ترجمه پویک مجابی). تهران: پرهام نقش.
- نیومن، ویلیام. (۱۳۸۹). *شیوه‌های پژوهش‌های اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی* (ترجمه حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی). تهران: مهربان نشر.
- Allmendinger, P. (2001). Planning in postmodern times. *PLANNING PERSPECTIVES*, 16(4), 415-416.
- Allmendinger, P. (2009). *Planning theory*. Macmillan International Higher Education.
- Appleyard, D. (1976). *Planning a pluralistic city*. Cambridge, MA: Massachusetts Institute of Technology Press.
- Appleyard, D. (1981). *Livable Streets. University of California Press*, Berkeley: University of California Press.
- Bacon, E. N. (1974). *Design of cities*. London: Thames and Hudson.
- Bailey, K. D. (1994). *Typologies and taxonomies: An introduction to classification techniques* (V. 102). Sage.
- Bailey, K. D. (2011). Typologies and taxonomies in social science. *Typologies and taxonomies*, 1-16.
- Bentley, I. (1985). *Responsive environments: A manual for designers*. Routledge.
- Bjerkeset, S. & Aspen, J. (2020). Public Space Use. *In Companion to Public Space*. Routledge.
- Canter, D. V. (1981). Environmental psychology. *Journal of Environmental Psychology*, 1(1), 1-11.
- Carmona, M., Latham, I., Swenarton, M. & Chatwin, J. (1996). *The value of urban design. esearch Project Commissioned by CABE DETR to Examine the Value Added by Good Urban Design*. London: Thomas Telford Publishing.
- Carmona, M., Heath, T., Tiesdell, S. & Oc, T. (2003). *Public places, urban spaces: the dimensions of urban design*. Routledge.
- Carmona, M., Magalhães, C. D. & Hammond, L. (2008). *Public space: the management dimension*. Routledge.
- Carmona, M. (2019). Principles for public space design, planning to do better. *Urban Design International*, 24(1), 47-59.
- Chermayeff, S. & Alexander, Ch. (1963). Community and privacy: Toward a new architecture of humanism (V. 474): Garden City. NJ: Anchor Books, Doubleday.
- Cullen, G. (1995). *The concise townscape*. Netherlands:

Nostrand Reinhold Company.

- Latifi, M. (2018). Methodology of Typology: An Approach to Theory Building in Management. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 1(2), 25-52.
- Leclercq, E. & Pojani, D. (2020). Private, hybrid, and public spaces. In *Companion to Public Space. Urban design assessment, comparisons, and recommendations. In Companion to Public Space* (pp. 249-266). Routledge.
- Lee, H. D. P. (1971). *Timaeus and Critias*. United Kingdom: Penguin.
- Lefebvre, H. (1976). *The survival of capitalism*. London: Allison.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. N. Smith, Trans.). Oxford Blackwell.
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. (Vol. 11). Norway: Technology Press & Harvard University Press.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. Routledge.
- Madanipour, A. (2010). Whose public space. *Urban Design Development*, (237).
- Madanipour, A. (2013). Public spaces of European cities. *Nordisk Arkitekturforskning*, 18(1), 22-32.
- Martín-Peña, M. L. & Díaz-Garrido, E. (2008). Typologies and taxonomies of operations strategy: a literature review. *Management Research News*, 31(3), 200-218.
- Mehta, V. & Palazzo, D. (2020). *Companion to Public Space*. UK: Routledge.
- Newman, O. (1996). *Creating defensible space*. Washington, DC: Department of Housing and Urban Development. Diane Publishing.
- Pannenberg, W. (2005). Eternity, time, and space. *Zygon*, 40(1), 97-106.
- PPS. (2000). *How to turn a place around: a handbook for creating successful public spaces*. Project for Public Spaces Incorporated.
- Rapoport, A. (1969). *House form and Cultua*. New Delhi: London-University College, Prentice-hall of India Private Ltd.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness* (V. 67). London: Pion.
- Rishbeth, C. (2020). The collective outdoors: Memories, desires and becoming local in an era of mobility. In V. Mehta, & D. Palazzo (Eds.), *Companion to public space* (pp. 27-34). Abingdon, UK: Routledge.
- Simmel, G. (1994). Bridge and door. *Theory, Culture Society*, 11(1), 5-10.
- Simmel, G. (1997). The sociology of space. *Simmel on culture*, 137-170.
- Sitte, C., Collins, G. R. & Collins, C. C. (1986). *Camillo Sitte: The birth of modern city planning*. New York: Rizzoli.
- Smith, K. B. (2002). Typologies, taxonomies, and the benefits of policy classification. *Policy Studies Journal*, 30(3), 379-395.
- Tibbalds, F. (1992). *Making people-friendly towns: Improving the public environment in towns and cities*. Taylor & Francis.
- Trancik, R. (1986). *Finding lost space: theories of urban design*. John Wiley & Sons.
- Venturi, R., Brown, D. S. & Izenour, S. (1977). *Learning from Las Vegas, revised edition: The Forgotten Symbolism of Architectural Form*. MIT press.
- Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces*.
- Zieleniec, A. J. L. (2007). *Space and social theory*. Sage.
- Zieleniec, A. J. L. (2018). Lefebvre's politics of space: Planning the urban as oeuvre. *Urban Planning*, 3(3), 5-15.
- Zucker, P. (1959). *Town and square: from the agora to the village green*. New York: Columbia University Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
رضاپور، امین و رنجبر، احسان. (۱۴۰۱). جریان‌شناسی رویکردهای نظری مرتبط با فضاهای شهری. *باغ نظر*، ۱۹ (۱۰۷)، ۵-۲۰.

DOI:10.22034/BAGH.2021.276281.4826
URL: http://www.bagh-sj.com/article_142836.html

